



برج سایه ها

ناصر
کاوه

برج سایه ها، جنایت و فسادهای دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا



برج سایه لها، جنایت و فسادهای دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا



این کتاب تقدیم می‌شود

به ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین)، امام خمینی (ره)، شهدا،
از صدر اسلام تا شهدای جبهه ی مقاومت و شهدای جنگ تحمیلی دوم
با آمریکا و اسرائیل و خانواده هایی که با هم به شهادت رسیدند...

«کتاب برج سایه ها»

روایتی از یک امپراتوری حرص و تعرض
مدیر پروژه و نویسنده : ناصرکاوه
هوش مصنوعی ، گرافیک و طراح : ناصرکاوه
رسانه و فضای مجازی : مهدی کاوه
تایپ و حروف نگار و مشاور طرح : نرگس کاوه
روابط عمومی و پشتیبانی : فاطمه عاقلی
مشاور طرح : علی کربلایی
قیمت: صلوات بر محمد و آل محمد

فهرست مطالب

1. پیشگفتار: 8

2. مقدمه: 11

حماسه‌ی رسوائی؛ تقدیم به شمعزنگان تلریخ

3. فصل اول: قصر شیشه‌ای بر شن‌های روان: 26

امپراتوری فریب و سقوط وجدان اقتصادی

4. فصل دوم: پادشاه شکارچی: 37

روایتی از بازیگر جانبدار و قربانیان خاموش

5. فصل سوم: جزیره‌ی تباهی و پروازهای شبانه: 48

شب‌های تار، جنایات پنهان و فریادهای بی‌صدا

6. فصل چهارم: صدای ضبط شده و طوفان افشاگری: 57

وقت مکافات، بانگ زنان، شور بیداری

7. فصل پنجم: کاخ سفید، هتل شخصی: 63

وگتی قدرت، سایه سورجریان می‌شود

8. فصل ششم: نبرد دادگاه؛ وقتی سایه‌ها سخن می‌گویند: 66

عدالت در رقص صدا و سکوت

9. فصل هفتم: انکار بزرگ و طغیان کابینول: 74

دموکراسی در خنجرش کبود؛ روایت یک روز خونین

10. فصل هشتم: ترامپ، آمریکا و اسرائیل – شراکت در جنایت: 78

فریاد غرقه شهر خون و نتگ

11. فصل نهم : بورش به تخت : 85

مرثیه‌ای جهانی؛ زیباترین آواز حریت و زخم‌های خاموش

12. فصل دهم: فرمان قتل از اتاق بیضی : 96

شهادت سپید شهید قاسم سلیمانی و همراهان

13. فصل یازدهم ، سند سرخ حقیقت : 103

در ستایش دانایی و خون

14. سخن آخر، خطبه تازیانه بر تخت فساد : 121

صدای آسمان، رسوایی جاودان



پیشگفتار

در سایه‌های بلند برج‌هایی که هر روز بیشتر به آسمان نزدیک می‌شوند، حقیقت گم می‌شود و زندگی مردمان زیر پنجه قدرت و ثروت، بازیچه‌ای بیش نیست.

این داستان، روایت مردی است که میان تاریکی و فریب، راهی برای بقا و دستیابی به رؤیاهایش جست‌وجو می‌کند؛ رؤیاهایی که بهای شان فاجعه، خیانت و ویرانی است.

«برج سایه‌ها» تلاشی است برای نگاه به زیر پوست شهر و سیاست؛ جایی که انسانیت قربانی طمع می‌شود و هر حقیقتی در هزارتوی دروغ گم می‌گردد.

این کتاب رمان گونه، تنها قصه‌ای از فساد و قدرت نیست، بلکه آینه‌ای است از جامعه‌ای که در آن امید و انسانیت، درگیر نبردی بی‌پایان با تاریکی‌اند.

زمانه‌ای که حقیقت پشت پرده‌های ضخیم نیت پنهان می‌شود، سایه‌ها خانه‌به‌خانه بر دیوارهای شهر جاری می‌شوند و نام‌ها رنگ می‌بازند.

این شهر، برجی دارد از جنس سکوت و زخم؛ هر گوشه، خاطره‌ای ممنوعه، هر اتاق، آینه‌ای پر از هراس و رنج.

در لایه‌لایه این برج، کردارها و انگیزه‌ها درهم تنیده، و انسان‌ها میان آرمان و سقوط، در سایه‌ها زندگی می‌کنند که حضورشان هم‌زمان روشنایی و تاریکی است.

«برج سایه‌ها» سفری است از اعماق فساد، خودکامگی ترامپ، و جدال خاموش عدالت با تبااهی‌هایی که او برای بشریت، به ارمغان آورده است.



ع. ا. به نام جنایت و فسادهای دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا

مقدمه

"در سایه‌ی برج طلا و خون"

این کتاب سروده‌ی رسوایی ترامپ است؛ تقدیم به آنان که در شب، شعله‌ای به دست گرفتند، هرچند سهم شان از روشنایی جز شرری گذرا نبود، اما ظلم هرگز بدون چراغ نمی‌ماند و رسوایی پاسخ تاریخ است.

در سرزمینی که حقیقت هر روز نقاب می‌زند، و صدای درد و اعتراض زیر سایه قدرت، گم می‌شود، این روایت تلاشی است برای زنده نگه داشتن بانگ خاموشان، سفری به تباهی، تا روزنه‌ای به سوی رهایی بجوییم.

در دل آسمان خراش‌های نیویورک، برج سایه‌ها با شکوه سرد و عظمت پر زرق و برقش ایستاده بود. آنجا، جایی بود که طمع، جاه‌طلبی و رؤیایی شوم همدیگر را در آغوش گرفته بودند.

برج، نمادی از قدرت دنیوی و ثروت بی‌حد و حصر، نه تنها یک سازه معماری، بلکه تجسمی ملموس از روح زمانه بود؛ روحی که در آن ارزش‌های انسانی در سایه زرق و برق مادی رنگ می‌باختند.

در این محیط، پسری جوان به نام دونالد ترامپ، که در خانه‌ای پر از قوانین سخت‌گیرانه اما با رؤیایی بی‌پایان شهرت و ثروت بزرگ شده بود، میراث پدر را به دوش می‌کشید.

این میراث، نه تنها دارایی‌های مادی، بلکه مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورها بود که در ابتدا می‌توانست سکوی پرتابی برای موفقیت باشد، اما در نهایت سقف رؤیاهای او را حرص و خودمحوری تعیین می‌کرد.

دونالد، از همان ابتدای راه، با این میراث دست و پنجه نرم می‌کرد؛ میراثی که هم به او قدرت می‌داد و هم او را به مسیری سوق می‌داد که در آن، اخلاقیات و اصول، قربانیان خاموش جاه‌طلبی او می‌شدند.

او در این برج، که نمادی از موقعیت اجتماعی و اقتصادی او بود، به دنبال ساختن امپراتوری خود بود، امپراتوری که در آن، سایه بلند جاه‌طلبی‌اش، تمام واقعیت‌های اطراف را می‌پوشاند.



سبع ساله های جنایت و فسادهای دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا

“ضرورت افشاگری و شفافیت”

آنجا که پایه‌های اجتماع بر شفافیت استوار نباشد، فرصت عدالت محو می‌شود. پرده‌ها که کنار رود و صاحبان قدرت را به حساب‌کشی بخوانند، امید دوباره متولد خواهد شد.

دونالد ترامپ نماد آن است که چگونه شهرت و ثروت در رقابت با مجموعه‌ای از اتهام‌ها و رسوایی‌ها، به آزمونی برای سلامت جامعه و معنای وجدان تبدیل می‌شود. این کتاب، واکاوی سرنوشت یک فرد نیست؛ چراغ شناخت یک پدیده اجتماعی است، پدیده‌ای که انعکاسش در رسانه، دادگاه، خیابان و حافظه مردم همچنان به جدال حق و فراموشی دامن می‌زند.

“سوگ اخلاق در هیاهوی برج‌ها”

ای انسان با شرف!

ای انسان آزاده!

ای انسان طالب حقیقت!

چگونه فراز برج را نشانه عزت پنداشتی و رنج را از یاد بردی؟

این برج‌های طلایی، ویرانه‌هایی بر قلب‌هایی‌اند که زیر سایه خود خاک شدند.

قصه این اثر، روایت سقوط اخلاق است در قمار طمع، قدرت و بی‌پروایی ظلم.

افشای این چهره نه پایانی فردی، که آغاز بیداری وجدان انسانی است.



“برای پرچم‌داران حق و راستی”

به نام خداوند آزادی که مسافران خاموش و قربانیان بی‌گناه، خورشید فردا را از ما طلب دارند، درد در رگ‌های هر سطر این کتاب جاری است؛ قطره‌های خون امید که بر برگ‌های تاریخ از پلیدی و مقاومت حکایت می‌کنند.

"به نام آنان، به نام حقیقت، به نام زندگی و مهر جاودانه"

اگر گریه‌های مادران خاموش

و ناله کودک بی‌پناه

بی پژواک است،

این روایت به زنجیری از فریاد

برای حق بدل خواهد شد.

“دعوت به شناخت و ایستادگی”

این کتاب، تبارشناسی افول وجدان حاکمان است؛ روایتی از راستی که صحنه را ترک نگفت و شرافتی که با خون نوشت.

زندگی و تاریخ ترامپ فقط داستان برج‌ها و کازینوها نیست، بلکه بازتاب تاریکی سیستمی است که او نماینده‌اش شد؛ نظامی از دروغ، طمع و سرکوب که ویرانه‌های عدالت را بر شیشه شکسته وجدان می‌گستراند...

در دوران هیاهوی رسانه های زر و زور که حقیقت را خفه می کنند، افشاگری نه ابزار،
که ضرورت آزادی است.

همه جا اطلاعات، هم سلاح آگاهی است، هم اسب جنگ فریب و سرکوب؛ این کتاب
پاسخی است به عادی سازی فساد و توجیه جنایت.

این مقدمه دعوتی است به بازپس گیری حقیقت، شکستن سکوت و ایستادگی در
برابر امپراتوری فساد و جنایت.

ما با سلاح راستی و روایتی برخاسته از دل رنج مردمان رو در روی قدرت ایستاده ایم،
تا آزادی، آزادی و پاکی را پاس داریم.



در این تصویر، نمادی از نابرابری و فساد در آمریکا به تصویر کشیده شده است. ساختمان بلند و ترک خورده، نمادی از ساختارهای قدرتمند و آسیب دیده است. چهره‌های بی‌روح و سیاه‌پوش، نمادی از سیستمی بی‌احساس و متمرکز بر سود است. پول‌های پراکنده و زنجیر شکسته، نمادی از فقر و محدودیت است.

دونالد ترامپ، مردی که نامش با صلابت ثروت و شهرت گره خورده است؛ اما در پس این نقاب زرین، سایه‌هایی ژرف از فساد و تباهی نهفته است.

در جهانی که خبرها از رسوایی او لحظه به لحظه طنین‌انداز می‌شود، برج‌های طلایی ترامپ در آسمان شهرها قامت کشیده‌اند، اما ریشه‌هایش در خاک رسوایی و بهره‌کشی فرو رفته است.

"هر صبح از این باغ، میوه‌ای نو از جنجال می‌رسد!؟"

از افشاگری‌های آن‌ان درباره رابطه‌ی ترامپ با دختران نوجوان تا روایت‌های تلخ جک اودانل، مدیر پیشین کازینوی او، که از دوستی عمیق ترامپ با جفری اپستین و ورود شبانه آن‌ها با دخترکان زیر سن قانونی در تالارهای پر زرق و برق قمار خبر داد.

ای دست‌های آلوده در سیمان غرور،

فراموش می‌کنید قصه‌ی مردم را؟

هر آجر برج طلا،

قطره اشکی بی‌نام است

و در بلندایش،

شکوهی جز خاکستر فریب نیست.

این جا روایت سقوط انسانی است

که با زرو زور، همه چیز را تصاحب کرد

اما از داوری تاریخ گریزی نداشت.

کتاب برج سایه ها، با این پرسش ابدی آغاز می‌شود، آیا قدرت و ثروت، بر وجدان جهانی چیره می‌شوند؟

دو ستون سست پیکره‌ی امپراتوری ترامپ را ساخته‌اند، سرابی از موفقیت اقتصادی، پشت نقاب کلاهبرداری و پول شویی؛ و سایه‌های تاریک تعرض و دهه‌ها اتهام سوءرفتار.

ساختار ترامپ بر انکار، تهاجم و سوءاستفاده از قدرت بنا شده؛ سوالی که باقی می‌ماند، آیا این بنای پوشالی فرو خواهد ریخت یا همچنان بر رُفت و باد تاریخ استوار خواهد ماند؟



برج سایه‌ها، جنایت و فسادهای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا

فصل اول : قصر شیشه‌ای بر شن‌های روان

(هنر فریبکاری در تجارت)

از زمین بازی تا بازی قدرت

دونالد جوان، با ذهنی شیفته سرعت و خطر، از همان دوران کودکی آموخته بود که برای پیروزی در هر عرصه‌ای، باید دیگران را کنار زد. این روحیه رقابت‌جویانه، که در بستر زندگی مرفه و بدون محدودیت او پرورش یافته بود، به تدریج به یک خصلت بارز در شخصیت او تبدیل شد. او از جوانی میان مهمانی‌ها، دختران، و نمایش ثروت زندگی کرد؛ بی‌آنکه پرده‌ای بر ضعف‌هایش کشیده باشد. زندگی او، نمایشی از فراغت و خوش‌گذرانی بود، اما این نمایش، نقابی بود بر واقعیتی تلخ‌تر؟

"عدم بلوغ عاطفی و فقدان عمق در روابط انسانی"

شهرتش از همان ابتدا با شایعات و حواشی آمیخته شده بود؛ شایعاتی که گاه دروغین و گاه برآمده از واقعیت‌های تلخ بودند. اما او بی‌توجه به قضاوت‌ها، مسیر خود را از «پسر پدرش» به معمار امپراتوری سایه‌ها ادامه داد. این مسیر، مسیری بود که او را از یک وارث ثروت به یک بازیگر اصلی در عرصه قدرت تبدیل کرد؛ بازیگری که قوانین بازی را برای خود تعریف می‌کرد و هیچ حد و مرزی را به رسمیت نمی‌شناخت. او آموخته بود که چگونه از نام و اعتبار خود به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهدافش استفاده کند و چگونه در دنیای تجارت و قدرت، با زیرکی و گاه بی‌رحمی، مسیر خود را هموار سازد. دونالد ترامپ، به ناگاه سیاست‌مدار نشد، او همیشه بازیگر ماهر شطرنج قدرت و ثروت بود.

آغاز راهش با وام‌ها و حمایت‌های پدر، و جهشش به برج‌های شیشه‌ای و کازینوهای
آتلانتیک سیتی، صحنه‌ای برای به بازی گرفتن قانون بود؛ شش ورشکستگی،
شبکه‌های پولشویی و نهادینه کردن نفوذ با لبخندی دیپلماتیک.



"کلید موفقیت های ظاهری ترامپ"

دور زدن اخلاق و قوانین، انداختن بار بدهی و شکست بر دوش کارگران و سرمایه‌گذاران از هنرهای اوست. در دادگاه نیویورک، او را خالق "دنیایی از فریب" دانستند؛ اما قربانیانش مدت‌ها پیش حقیقت را فریاد زده بودند. امپراتوری زرو زور، در پسِ شیشه‌های غرور، همواره خطی از باران برپیکرش داشت.

چه بسیار برج‌هایی که با تندباد اولین حقیقت فرو ریختند. از پسرِ تاجر تا شهزاده‌ی نیویورک، ترامپ خود را پادشاه کازینوها و املاک معرفی می‌کرد اما از دل همین کاخ‌های طلایی، شبخ اختلاس و سوءاستفاده سر برآورد. در پس هر پروژه بزرگ، سود شخصی برای ترامپ و ورشکستگی برای دیگران بود.



سرمایه‌ها، خیانت و فسادهای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا

"ظهور در تجارت"

ترامپ در خانواده‌ای ثروتمند و با سابقه املاک‌داری در کوئینز نیویورک رشد کرد و با سرمایه پدر، امپراتوری خود را بر فراز برج‌ها بنا نهاد.

اما چیزی که داستان او را تفاوت می‌داد، نه فقط حجم سرمایه‌گذاری که قدرت بازیگری در فضای رسانه و تولید اسطوره‌ای از خود بود.

چرخه کازینوها و شکست دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، پروژه‌هایی چون تاج‌محل، پلازا و قلعه ترامپ، رویاهای آتلانتیک سیتی را بلعیدند.

شش ورشکستگی (۱۹۹۱ تا ۲۰۰۹) تنها اثبات هنری شد که در آن شکست دیگران، به سود او تمام شد. انتقال بدهی‌ها به سهامداران و پیمانکاران، و دریافت حقوق و پاداش شخصی در هر شکست. تصویر “موفقیت” ترامپ، روی آوار بدهی و ناامیدی زیردستان بنا شد...



"الگوی فریب و پول‌های کثیف"

اسناد IRS و نهادهای فدرال روشن نمودند که کازینوهای ترامپ، خاصه تاج‌محل، پاتوق پول‌های مشکوک و معاملات مافیایی بود.

نقض سیستماتیک قوانین مبارزه با پولشویی، جریمه‌های سنگینی در پی داشت. پدرش با خرید ژتون‌های قمار و خروج بی‌بازی از کازینو، به نجات موقت امپراتوری مالی‌اش آمد، اما نه بی‌هزینه. در پرونده کلاهبرداری مدنی نیویورک در سال ۲۰۲۴، دادگاه ثابت کرد، ترامپ برای وام‌گیری و گرفتن بیمه، دارایی‌هایش را صدها میلیون دلار بالاتر از واقعیت اعلام کرده است.



سایه ها، جنایت و فسادهای دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا

"مدل کسب و کار ترامپ"

خلق دنیایی فانتزی برای فریب بانک‌ها و نهادهای مالی. این‌ها شالوده امپراتوری بود که بر پایه فریب و اغراق استوار داشت؛ همان قدرت و نفوذی که در سیاست نیز دنبال کرد.

ترامپ بازیگری بود که با چیره‌دستی در قانون‌گریزی و سیستم، موفقیت مالی‌اش را تقویت و هزینه شکست را برگردانده دیگران نهاد؛ الگویی که در سراسر زندگی‌اش تکرار شد.



برج ساه لها، جنایت و فسادهای دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا

فصل دوم : پادشاه شکارچی

روایتی از بازیگری جاذبه و قربانیان خاموش

ای تو که در آینه شهرت، به فریبندگی می نازی،

صدای گریه زنانی را بشنو

که شکسته شدن سهم شان از قدرت تو شد.

در پسِ هر تصویر رسانه ای،

هر بار که لبخندی در قاب مجله جاودانه شد،

قطره قطره اشک ایوانا، تمپل، جسیکا، جیل و کل زنان بی شماری که در هراس و

سکوت زیستند،

در حافظه جهان باقی ماند.

ستاره‌ها شاید خاموش شوند

اما زخم وجدان، ابدی است.



"تاج ملکه‌ها و شب‌های پررمز و راز"

در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰، ترامپ مالکیت مسابقات دختر شایسته را به دست گرفت؛ قدرت در دستان او متمرکز شد و صدها دختر نوجوان و جوان، خواسته یا ناخواسته، زیر سایه تسلط او قرار گرفتند.

این اقدام، نه تنها یک سرمایه‌گذاری تجاری، بلکه بخشی از استراتژی او برای بسط نفوذ و تصویر عمومی‌اش بود. در این مسابقات، جایی که غرور، سوءاستفاده و نگاه ابزاری به زنان در آن طبیعی جلوه‌گر شد، دونالد خود را در جایگاه داور و خالق ارزش قرار داد. او با انتخاب زیبایی به عنوان معیار اصلی، زنانی را که به دنبال فرصتی برای درخشیدن بودند، به ابزاری برای نمایش قدرت و دستاوردهای خود تبدیل کرد.

در پس نمایش پرزرق و برق، زنان بسیاری در سکوت رنج کشیدند؛ رنجی که از تحقیر، بهره‌کشی و نادیده گرفته شدن ارزش‌های واقعی‌شان نشأت می‌گرفت.

قدرت‌نمایی دونالد در این حوزه، نمایشی بود از شکوه مادی، اما بی‌ارزش در معنا؛ نمایشی که او را در جایگاهی قرار می‌داد که می‌توانست سرنوشت زنان را رقم بزند و در عین حال، تصویر خود را به عنوان یک شخصیت قدرتمند و تأثیرگذار در جامعه تثبیت کند.

این فصل از زندگی دونالد ترامپ، نشان‌دهنده عمق فساد اخلاقی و رویکرد کالایی او به انسان‌ها، به ویژه زنان بود.



"شکارچی مراسم و حلقه قدرت"

شهادت‌های شرکت‌کنندگان از ورود ناگهانی ترامپ به رختکن دختران در حالی که برهنه بودند، و جملاتی چون "نگران نباشید خانم‌ها، من همه چیز را دیده‌ام"

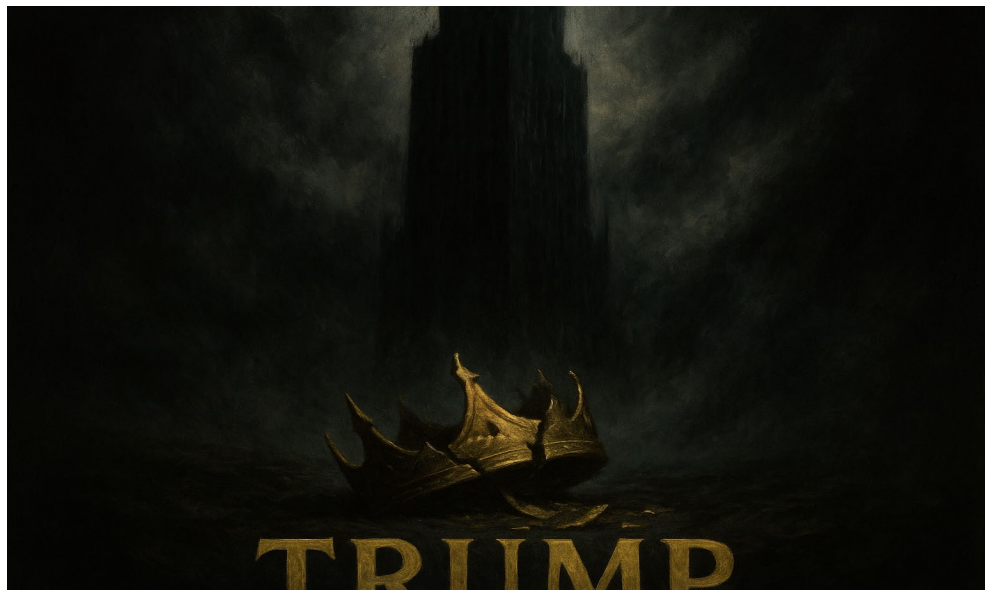
"نشان از الگوی سوءاستفاده‌ی عادی‌شده از قدرت ترامپ داشت"

"تمپل تاگارت" ملکه زیبایی یوتا، روایت کرد که ترامپ در دیدار نخست، او را بدون رضایت بوسید.

"کتی هلر" در میانه ضیافتی در مارئه لاگو، گرفتار همین رفتار گشت.

"جیل هارت" با شجاعت، تلاش ترامپ برای تجاوز را در شکایت‌نامه‌ای ثبت کرد؛ هرچند تحت فشار عقب‌نشینی کرد، اما یادآوری درد، هیچ‌گاه به خاموشی نرفت.

تحلیل رفتار و مضمون تکرارشونده قدرت شالوده این مشی رفتاری،
نگاه ایزارمند و پادشاه‌گرایی ترامپ به زنان است؛ “وقتی ستاره باشی،
هر کاری بخواهی می‌کنی”؟! جمله‌ای که بعدها در نوار افشاگری
ترامپ مشهور شد، بازتاب همان منطق بهره‌جویانه ترامپ است...



"طلوع یک نماد و پشت‌پرده واقعیت"

در دهه‌های ۷۰ و ۸۰، رسانه‌ها ترامپ را نماد قدرت و جذابیت ساختند؛ او عامدانه این چهره را تقویت می‌کرد؛ مهمانی‌های پرسروصدا، حضور با زنان مشهور، اظهار نظرهای بی‌پروا، و حتی نگارش کتاب‌هایی برای ستایش موفقیت بی‌پروای خود. همزمان اما، نخستین اسناد رسمی سوءرفتار پدید آمد؛ گزارش جنجالی ایوانا ترامپ همسر سابقش، از «تجاوز خشونت‌آمیز» در پروسه طلاق، هرچند بعدها از منظر کیفری تعدیل شد، اما به عنوان سند اولیه خشونت در زندگی خصوصی او باقی ماند. جسیکا لیدز، جیل هارت و بسیاری دیگر، از تعرض‌های ترامپ در شرایط مختلف خبر می‌دادند؛ سال‌ها گذشت تا موج "MeToo # بالا آمد و شکوه‌های پنهان را فریاد کرد.



ردای اشرافیت برتن

و خوی فحشا در پنهان

داستان عبور بی پروا از مرزهای اخلاق،

هزاران قلب شکسته و سکوت‌هایی که

سرانجام روزی

به فریاد بدل شد.

****ای دست‌های آلوده،**

چگونه سر بر بالین می‌نهی

وقتی شبِ زنان،

پراست از زمزمه دلهره؟**



برج سابه لها، جنایت و فسادهای دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا

فصل سوم : جزیره‌ی تباهی و پروازهای شبانه

(شبکه روابط تاریک)

روابط پشت‌پرده با چهره‌های جنجالی همچون جفری اپستین، نشان از طبیعت فاسد دنیایی داشت که دونالد در آن حرکت می‌کرد. این روابط، تنها بخشی از شبکه‌ای پیچیده و تاریک بود که در پس پرده قدرت و ثروت شکل گرفته بود. اپستین، که خود نمادی از فساد و سوءاستفاده از قدرت بود، با دونالد در ارتباطاتی قرار داشت که فراتر از صرف دوستی یا آشنایی تجاری بود.

نقل شنیده‌ها از مهمانی‌هایی پر از رمز و راز، تنها بخشی از سایه‌هایی بود که چهره‌ی امپراتور را تیره‌تر می‌کرد. این مهمانی‌ها، که غالباً با حضور افراد بانفوذ و زنان جوان برگزار می‌شد، محل تبادل قدرت، اطلاعات و سوءاستفاده‌های پنهان بود.



این روابط، نشان‌دهنده عمق تاریک دنیایی بود که در آن، اخلاقیات رنگ باخته و هر چیز، از جمله روابط انسانی، به ابزاری برای رسیدن به اهداف تبدیل شده بود. دونالد، با حضور در این شبکه، نه تنها خود را در معرض اتهامات قرار می‌داد، بلکه عمق فساد و تباهی حاکم بر لایه‌های بالای جامعه را نیز برملا می‌ساخت.

در سایه‌ی شب‌های نیویورک و سکوت مهمانی‌های خصوصی، ارتباط دونالد ترامپ با جفری اپستین، چهره‌ای عریان از پیوند قدرت و فساد را به نمایش گذاشت!؟

مهمانی‌های تاریک، پروازهای مخفی با جت خصوصی “لولیتا اکسپرس”، دختران نوجوانی که قربانیان خاموش شهوترانی مردان قدرت شدند.

تاریخ ثبت کرد که چگونه این امپراتوری فساد، مرزهای اخلاق و قانون را درنوردید؛ از کازینوی زر تا جزیره‌های تباهی، از حلقه‌های بسته نخبگان تا شبکه‌های جهانی ارتکاب جنایت.

"دوستی با جفری اپستین؛ آغاز سقوط"

دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ زمان نزدیکی ترامپ با اپستین بود؛ میلیاردی بدنامی که شبکه‌ای از سوءاستفاده از دختران زیر سن قانونی برای ثروتمندان و سیاستمداران پدید آورد و نهایتاً با رسوایی جهانی و مرگی مشکوک پرونده‌اش بسته شد.



روایات بسیار از حضور ترامپ در مهمانی‌های اپستین و پروازهای مشترک با دختران نوجوان حکایت می‌کند؛ جک اودانل، رئیس پیشین کازینوی ترامپ، شهادت داد که حضور او با اپستین و چند دختر نوجوان در سوئیت‌های خصوصی بخشی از این حلقه فساد بود. استیسی ویلیامز و دیگران شهادت دادند آنچه در این ضیافت‌ها می‌گذشت فراتر از سرگرمی و نزدیک به بهره‌کشی از قدرت بود؛ “بازی بیمارگونه‌ای” که در آن زنان جوان جسم و روح خود را واگذار می‌کردند.

پیوند با فرهنگ و شبکه سوءاستفاده این روابط تنها یک سوءرفتار فردی نبود؛ بلکه ترامپ را به هسته شبکه‌ای گسترده از نخبگان فاسد پیوند می‌زد؛ فرهنگ سوءاستفاده‌ی سازمان‌یافته، که در آن، تجاوز و خرید و فروش بدن دختران نوجوان سکوی قدرت و تفریح اربابان بود.



اظهار نظری پروا و رسمی ترامپ، که اپستین را «فوق‌العاده» و شیفته‌ی زنان جوان می‌نامید، چه بسا نشانه همسویی ذهنیت و رفتار هر دو بود؛ گواه آن که فساد، تنها در حریم اشخاص باقی نماند، بلکه به ساختار و هویت یک طبقه بدل شد.

شب‌های بی چراغ،

پروانه‌های سوخته

در این جزیره خاموش،

پروانه‌ها بی نام و نشان،

در آتش زر سوختند؛

هر مهمانی مخفی،

هر پرواز خصوصی،

شهادت‌نامه‌ای شد بر تباهی تمدن مدرن.

دوستی ترامپ و اپستین،

مسیر تاریکی بود

که به خیابان‌های بی چراغ وجدان انجامید؛

تجارت تن،

خرید و فروش امید و کودکی

در بزن‌گاه قدرت.

اینجا، در جزیره شب،

حتی ماه نیز

شرم دارد بتابد...



سراج سابه لقا، جنایت و فساد لقای دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا

فصل چهارم: صدای ضبط شده و طوفان افشاگری

وقت مکافات، بانگ زنان، شور بیداری

حقیقت در برابر دوربین

نوار هولناک «اکسس هالیوود» پرده از چهره واقعی قدرت برداشت. در این نوار ضبط شده، دونالد در برابر دوربین، از تجاوز و زن‌ستیزی به شوخی یاد کرد؛ شوخی‌هایی که نه تنها نشان از بی‌تفاوتی او به حقوق زنان، بلکه بیانگر توهینی آشکار به کرامت انسانی بود. او با لحنی سبک‌سرانه، رفتارهای زننده خود را توجیه می‌کرد، اما دنیا آن را شوخی ندید. این اظهارات، موجی از خشم و انزجار را در جامعه برانگیخت و بسیاری را به تأمل در مورد ماهیت واقعی قدرت و کسانی که آن را در دست داشتند، واداشت. با این حال، او باز هم مسیر قدرت را با تکیه بر روشنفکری

عامه و فراموشی جمعی جامعه آمریکا طی کرد و با استفاده از همین اظهارات و حواشی، توانست تا کاخ سفید پیش رفت.

او با بهره‌گیری از رسانه‌ها و توانایی خود در ایجاد جنجال، موفق شد تا انتقادات را به سمت خود جلب کرده و از آن به عنوان سکوی پرتابی برای رسیدن به بالاترین مقام سیاسی کشور استفاده کند. این فصل، نشان‌دهنده قدرت رسانه در شکل‌دهی به افکار عمومی و همچنین توانایی افراد خاص در بهره‌برداری از هر موقعیتی، حتی بدترین آن‌ها، برای رسیدن به اهداف شان بود.

"نوار شرم و فرو ریختن دیوار سکوت"

پاییز ۲۰۱۶، در بحبوحه رقابت‌های داغ انتخابات، نوار صوتی کوتاهی از دونالد ترامپ جهان را لرزاند. در این نوار، او بی‌پروا اعتراف می‌کند که «وقتی ستاره باشی،

به تو اجازه می‌دهند هر کاری بکنی...» جمله‌ای که فرهنگ سلطه و تعرض را عریان کرد. ترامپ سعی کرد آن را صرفاً «حرف‌های رختکن» بنامد. اما موج زنان شاکی، پرده‌ها را کنار زد. سامرزوس، شرکت‌کننده‌ی پیشین «The Apprentice»، و ناتاشا استوینف، خبرنگار، از اولین زنانی بودند که با جزئیاتی روشن، تجربیات تعرض را بازگو کردند. ده‌ها زن دیگر نیز لب به سخن گشودند و هرکدام فریادی علیه یک ساختار پوسیده. در میان موج ننگ، صدای زن بود که حصر شب را شکست...

«بانگِ حقیقت دوامی دارد که هیچ ستاره‌ای بر زمین آن را نمی‌پوشاند.»

"افشای ستم و غرور قدرت"

نوار اکسس هالیوود، سند غرور قدرتی شد که در سایه‌ی ثروت، اضطراب پاسخگویی را از میان برده بود. اعتراف به دست‌درازی و رفتار تحقیرآمیز نه یک «لغزش لفظی»،

بلکه تصویر حقیقی مردی بود که سال‌ها ستم را بی‌مجازات تکرار کرد و زنان را چون اشیاء، بی‌حق دانست. افشاگران اما به گرداب هراس نغلتیدند. شهادت‌ها یکی پس از دیگری، دیوار سکوت را شکست. تجربه‌ی جمعی رنج و اعتراض، جامعه را واداشت که درباره‌ی سوءاستفاده از قدرت بازاندیشی کند. جنبش «من هم» (MeToo #)، آوای زنانی بود که می‌گفتند: دیگر سکوت بس است.

"شور بیداری و سیل حقیقت"

انتشار آن نوار، سرآغاز عصری شد که شهادت جای شرم را گرفت. زنانی که سال‌ها خاموش بودند، به امید عدالت سخن گفتند. دادگاه‌ها، رسانه‌ها و افکار عمومی دیدند که این ماجرا نه یک حادثه‌ی گذرا، بلکه الگوی مکرر ستم و پنهانکاری است.



«چنگ می‌زنم... چون ستاره‌ام...»

این جمله نقاب برداشت؛ شهادت زنان، صدایی شد فراتر از هر توهینی؛ دادخواهی، خیزش ملی شد. دیگر تاریخ را صداهایی می‌نوشتند که حقیقت را پنهان نمی‌کردند.



سرمه‌ای که جنایت و فسادهای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا

فصل پنجم : کاخ سفید، هتل شخصی

ترامپ وقتی کلید کاخ سفید را به دست گرفت، آن را نه نماد خدمت، که ابزاری برای نمایش ثروت و قدرت خویش ساخت. جایی که دیوارهایش، انعکاس شعار تجارت خانوادگی بود و هتل‌هایش به ایستگاه‌های بده‌بستان سیاسی و مالی بدل شدند.

"کاخ سفید قدرت، چراگاه سوداگری"

در دوران ترامپ، مرز میان وظیفه ملی و منفعت شخصی محو شد. ثروتِ برچیده از جیب مردم، به سفرهای مجلل و اقامت‌های پرهزینه در «مارئه لاگو»، اقامتگاه ترامپ و «بدمنستر» جاری شد. مراسم‌ها، ملاقات‌ها و جلسات، همه و همه فرصت‌هایی بود برای ثبت «Trump» بر هر سطر از داستان قدرت.

هتل بین‌المللی ترامپ: تلاقی قدرت و پول

هتل ترامپ درواشنگتن، پاتوق معامله‌گران، دیپلمات‌ها و لابی‌گرانی شد که با ریختن پول به خزانه ترامپ، رای و نظر می‌خریدند. اینجا نه فقط خانه پذیرایی، که بازار تجارت نفوذ بود؛ نقض آشکار «بند درآمدها»ی قانون اساسی، جایی که ریاست جمهوری چارچوبی برای سودجویی میشد

حرمتی نیست برای کاخ

اگر بر شانه حقوق مردم بنا شود...

و شانه‌های سپید کاخ سفید،

تاب حرص و طمع را ندارد...

سوء استفاده از منابع عمومی

هواپیمای دولت، پلیس مخفی، اقامت‌گاه‌های لوکس، سفرهای خانوادگی خط
منافع عمومی در هم شکست و کاخ سفید به دفتری برای برندینگ شخصی و
فتوح اقتصادی، ترامپ بدل شد. (all stood in service of personal profit)



فصل ششم : نبرد دادگاه؛ وقتی سایه‌ها فریاد می‌زنند

شکست در میدان عدالت: پرونده ای. جین کارول

در میان هیاهوی ثروت و قدرت، صدای عدالت اما خاموش نماند.

ای. جین کارول، نویسنده شجاع، راز سال‌های گذشته را فاش کرد!؟

آزار و تجاوز توسط ترامپ در اتاق پروی یک فروشگاه.

ترامپ، اما طبق معمول، در پاسخ به اتهام، با تمسخر و تحقیر برآمد!

«او تیپ من نیست.»

همین تکذیب‌ها و افتراها پرونده حقوقی تازه‌ای گشود و این بار برای خود ترامپ.

در دو دادگاه پیاپی، هیئت منصفه ترامپ را به خاطر افترا و آزار جنسی مجرم شناخت:

۵ میلیون دلار در ۲۰۲۳، و حکمی به مراتب سنگین‌تر در ژانویه ۲۰۲۴ و ۸۳.۳

میلیون دلار جریمه برای زخمی که سال‌ها سنگینی کرده بود. این اولین بار بود که

عدالت، حتی اگر دیر، دستی بر «امپراتوریِ مصونیت» فرود آورد و نشانه گذاشت؟

نشانه‌ای بر شکست غروری که بر حقوق مردم و زنان استوار نبود. کاخ سپید، روزی

پناه مردم بود؛ اما اینک دفتر معاملات و سالنامه‌ی نزاع خانوادگی شده است؛ نه

حتی نامت بر دل‌ها نقش بست، که رسوایی‌ات بر دیوارها حک شد.

ای. جین کارول و صف بی‌شمار قربانیان خاموش، در دادگاه، این بار حق در صف

مظلومان ایستاد.

سیطره‌ی قدرت، سرانجام زیر نور تیز حقیقت لرزید؛ ۸۳.۳ میلیون دلار غرامت، نه فقط برای زنی شجاع بود، بلکه پژواک فریاد ده‌ها زن و طنین و طنین عدالت در جامعه‌ای خسته از انکار بود.



"شهادت در برابر انکار!؟"

سال ۲۰۱۹، ای. جین کارول، نویسنده نامدار، ترامپ را متهم به تجاوز در دهه نود

کرد؛ در همان فروشگاه مجلل منهتن!؟

جایی که همیشه نور، با سایه‌های سنگین درنبرد است.

ترامپ، با انکار و تمسخر، او را "دروغگو" و "زن ایده‌آل من نیست" نامید.

ولی طوفان پرونده قضایی آغاز شد.

ادله و نبرد حقوقی وکلای کارول، نوار صوتی شرم‌آور («اکسس هالیوود») را به دادگاه

بردند؛ اثبات کردند این نه یک حادثه، که همان الگویی است که سال‌ها توسط

ترامپ تکرار شده!؟

"سوءاستفاده، انکار، افترا"

احکام تاریخی و رسوایی حاکمیت بی پاسخ

هیئت منصفه نیویورک، در مه ۲۰۲۳، ترامپ را به جرم آزار جنسی و افترا محکوم کرد.

۵ میلیون دلار جریمه برای زخمی که سودای قدرت پنهانش نمی کرد.

اما انکار و حمله ادامه یافت؛ در ژانویه ۲۰۲۴، دادگاه دومی هم ترامپ را به پرداخت

۸۳.۳ میلیون دلار محکوم کرد، برای تکرار همان افترا، حالا دیگر تاریخ، نام او را در

فهرست محکومان قدرت ثبت می کرد.

"رقص عدالت بر خاکستر سکوت"

این نبرد حقوقی، نه فقط برای کارول، که برای تمام قربانیان فراموش شده قامتی راست کرد و به جهانیان یادآور شد:

«قانون، روزی دامن همه را می‌گیرد»

عدالت گاهی خاموش می‌ماند اما در سکوی دادگاه، فریاد سایه‌ها حتی شب‌های بی‌پایان را می‌شکافد. این پرونده، سمبل پیروزی حقیقت بر میراث سال‌ها انکار و بی‌شرمی بود؛ سایه‌ها زبان گشودند و ترازوی عدالت، اگرچه لرزان، سرانجام تکان خورد. قضاوت تاریخ پرونده‌های قضایی متعدد، از تجاوز و آزار جنسی تا کلاهبرداری و خیانت به اصول اخلاقی، لایه‌هایی تاریک‌تر به برج سایه‌های ترامپ افزود. این پرونده‌ها، شواهدی ملموس از رفتارهای غیر اخلاقی و مجرمانه ترامپ بودند که در

طول سال‌ها انباشته شده بودند. هر پرونده، بخشی از حقیقت پنهان را آشکار می‌کرد و تصویری سیاه و تاریک از شخصیت او ارائه می‌داد.

مرگ اخلاق، بی‌تفاوتی جهانی نسبت به فجایع اخلاقی و قدرت‌طلبی افسارگسیخته، تصویری بود که تاریخ از این امپراتور سایه‌ها به یاد خواهد آورد. جامعه، در مواجهه با چنین رفتارهایی، در یک دوراهی اخلاقی قرار گرفته بود؛ دوراهی که در آن، واقعیت‌ها نادیده گرفته می‌شدند و قدرت، بر حق تقدم داشت.

ترامپ، نه به عنوان یک رهبر، بلکه به عنوان نمادی از سقوط اخلاقی در بالاترین سطوح قدرت، در تاریخ ثبت خواهد شد.

ترامپ با دستکاری واقعیت‌ها و سوءاستفاده از اعتماد عمومی، توانست به اوج برسد، اما میراث او، جز عبرت و شرم‌ساری برای خودش چیزی نخواهد بود.



SHOCK!

GASP!

WOW!

WOW!

SCANDAL

CORRUPT

جنگ عظیم کی فضا میں امریکا کی فضا میں جیٹس کی فضا میں

فصل هفتم : انکار بزرگ و طغیان کاپیتول

دروغی بی‌پایان، فریب رهبران، و سقوط یک ملت

دموکراسی در گرداب آتش و فریاد و فریب...

«در روز ننگ، پرچم آزادی زیر چکمه‌ی قدرت پاره شد...»

فصل تاریک انکار در زمستان ۲۰۲۰، ترامپ از پذیرش شکست سرباز زد؛ نسیم حقیقت را با تندبادِ فریب، به آلودگی کشاند. اردوی دروغ بزرگ اتهام تقلب، ده‌ها دادگاه، هیچ سندی، اما طوفانی از تهمت و ترس در رگ‌های جامعه جاری شد.

"حمله به بنیاد، شورش بر شرف، ۶ ژانویه ۲۰۲۱"

کنگره‌ی آمریکا، قلب تپنده‌ی دموکراسی دروغین آمریکا، شاهد شبیخون حامیان ترامپ شد؛ خشم و فریب، لابه‌لای پرچم‌ها، در سینه‌ی سنگی پله‌های قدرت فوران کرد. پنجره‌های شکسته، چهره‌های نقاب‌دار، و ضربه به انتقال آرام حقیقت. در آن روز، ارزش‌ها در هیاهوی خشونت و نفرت گم شدند؛ رهبر فاسد، میان جمعیت، بذر تردید و بی‌اعتمادی می‌پاشید: «یا ننگید یا کشوری نخواهید داشت!»

و کشور را قربانی مسابقه‌ای با حقیقت کرد. سقوط اعتماد، شکاف ملت و «دروغ بزرگ» تنها یک ادعا نبود، زخم‌های عمیق بر بافت جامعه، دستگاه‌های قانون، مطبوعات، و حتی نهاد اعتماد ملی.

پوشش تلخ رسانه‌ها، تحقیقات بی‌پایان دادگاه‌ها، و تلاش ناکام برای استیضاح دوم همگی گواه این بودند که فساد ترامپ، دیگر ابعاد مالی و شخصی را پشت سر گذاشته و به ذات دموکراسی، خیانت کرده است. میراث یک روز ننگ، آنچه در آن روز گذشت، ذره‌ای فراتر از یک شورش یا نزاع سیاسی بود. تاریخ، سقوط اخلاق را و فروپاشی شرافت را در برابر حقیقت روایت کرد.

دروغ‌های ترامپ، زنجیره‌ای از امید و اعتماد را گسستند؟ دیگر هیچ پرچمی تضمین کننده آزادی نبود. اگر واقعیت، در آتش تهمت و خشونت سوخته باشد. دموکراسی، در میان شیشه‌های شکسته و بغض‌های فروخورده، زخم برداشت؛ و این درس ماندگار: هیچ قدرتی، هر اندازه هم فریاد بزند، از حقیقت، گریزی ندارد.



سرمایه‌ها، جنایت و فسادهای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا

فصل هشتم : ترامپ، آمریکا و اسرائیل

شراکت در جنایت (فریاد غزه)

"دروید بر مادران داغدار و کودکان بی پناه غزه"

این فصل، فریاد بی وقفه مظلومیت است علیه سکوت شرم آور قدرت ها و آلودگی سازمان های دروغین حقوق بشر.

انتقال سفارت: خاموشی آخرین چراغ صلح

سالیان زخم خورده فلسطین، ترامپ با انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس، نه فقط قوانین بین المللی بلکه امید دیرسال صلح را نیز به سادگی دفن کرد.

صدای شادی تلخ حاکمان، مصادف با فریاد خفته‌ی کودکان، آغازگر فصل تازه‌ای از خشونت، اشغال و بی‌خانمانی شد.

“حمایت بی‌قید و شرط؛ چراغ سبز به جنایت”

سیاست ترامپ، دادن آزادی عمل کامل به اسرائیل بود؛ سرکوب، شهرک‌سازی و کشتار بی‌محابا و بی‌هیچ بیم از پاسخ‌گویی.

هیچ‌گاه صدایی برای محکومیت بمباران غزه، قتل دانشمندان ایرانی یا تخریب خانه‌ها در لبنان، سوریه، یمن و عراق از کاخ سفید برنخاست؛ برعکس: سلاح، دلار و حمایت سیاسی هموارکننده راه سرکوب شد.

“پیمان ابراهیم: عادی سازی خیانت”

پشت نقاب صلح، پیمان‌های ابراهیم، کشورهای عربی را به تکریم اشغالگری واداشتند. فروش آرمان فلسطین، سوداگری با خون بی‌گناهان برای سود سیاسی؛ خاورمیانه‌ای بی‌ثبات، آینده‌ای پر از شکاف و بی‌اعتمادی، شراکتی که بی‌بازگشت وجدان جهانی را جریحه‌دار کرد.

“شراکت در جنایت علیه بشریت”

بر اساس گزارش‌های حقوق بشری، دولت ترامپ شریکی فعال در نقض فاحش حقوق بشر شد؛ آمریکا عملاً شریک خون هزاران زن و کودک غزه و کرانه باختری است. آوارگی، تخریب، و بحران انسانی، همگی محصول شراکت سیاسی و تسلیحاتی، فرار از مسئولیت، و چراغ سبزی شرمناک به اشغالگران، از طرف ترامپ است

“جنگ روایت‌ها: تسلیحات کلمه و تصویر”

ترامپ و تیمش ماهرانه در پنهان‌کاری و پروپاگاندا عمل کردند؛ توئیتر، پایگاه اصلی انتشار اطلاعات نادرست و حملات دروغین ترامپ شد. رسانه‌های مستقل، از گاردین تا نیویورک تایمز و اسناد فدرال، پرده از ابعاد فریب و مدیریت افکار این رئیس جمهور فاسد، برداشتند. این روایت‌ها، جوامع را دست خوش تفرقه و حقیقت را در "مه شایعه و اخبار جعلی غرق ساخت."

“پیامدهای منطقه‌ای و جهانی”

انتقال سفارت، رسمیت دادن به تصرف بلندی‌های جولان، قطع کمک به آژانس امداد فلسطینی‌ها و سیاست تحریم اقتصادی، بحرانی تازه آفرید: تحریم‌ها جان مردم ساده را نشانه رفت و آوارگی موج زد.



شب از ناله‌ی کودک غزه پر است

و ماه، دستمال سرخی‌ست

که خون مادران فلسطین بر آن نقش بسته

هیچ پاسخی نیست

جز شرمساری وجدان جهانی

و مسئولیت تاریخی آنانی که حقیقت را دیدند و سکوت کردند...

بحران انسانیت و هشدار جهانی

آنچه در دوران ترامپ گذشت، تنها جنایتی علیه فلسطین نبود که فروپاشی

معیارهای انسانی و اخلاقی قدرت بود.

سقوط ادعاهای آزادی و انسان دوستی در گرداب منفعت و فساد.

اگر چشم ببندیم بر جنایت،

وجدان خود را در پای قدرت قربانی کرده ایم.

کودکان غزه بی‌تاب خورشیدند

و دستان ترامپ

آلوده به خون سپیده.



فصل نهم : یورش به تخت فساد

ای کاخ‌نشینان رسوا، ما فریاد شبیم بر برج‌های زرین شما،

و تازیانه حق بر گرده‌ی پنهان‌نشینان ظلم!

در این فصل دیگر واهمه‌ای در کار نیست و هیچ نه عذر و نه ملاحظه ای قابل قبول نیست. افشاگری آغاز می‌شود؛ این جا قلم به شمشیر بدل می‌شود تا تار و پود شبکه جهانی زرو زور را بدرد.

ترامپ تنها یک شمایل نیست؛ فرزند زرو و قدرت، ترجمان جهانی از فسادِ ساختاری است که خاندان‌ها و سردمداران زرو نفت و رسانه ملل را به زنجیری مشترک بسته است. از ترامپ و بوش و خاندان‌های وال‌استریت و مقرّهای نفتی، تا آل سعود و ژنرال‌های قاهره، نخبگان تل‌آویو، سایه‌های کرملین و پکن، و دلالات خاموش لندن.



سرع و راه های جنایت و فسادهای روزگار شامی، رشتی، جسدی و آمریکا

"فروپاشی وجدان جهانی"

ابر قدرت‌هایی که باید سرافراز عدالت و صلح باشند، خود مُهر تأیید بر سیاست‌های مرگ و محرومیت می‌زنند. سازش و خیانت رهبران شرق و غرب، کوتاه‌نگری و دنائت را به جریان غالب بدل کرده است.

ترامپ؟ شتاب‌دهنده‌ی روند فساد جهانی. اقتصاد، رکن بی‌رحم قدرت که با جان بی‌صدایان معامله می‌شود. شبکه ثروت، رسانه، جنگ فساد اسیر شخص نیست؛ خاندان‌ها و شرکت‌های سایه‌نشین، رسانه‌هایی که حقیقت را بسته‌بندی و دروغ را شیرین می‌فروشند، دلالتان جنگ که با خون ملل، بانک‌های خود را تغذیه می‌کنند، قدرتمندان مالی که سرمایه را از سفره فقرا به حساب مافیای وال استریت سرازیر می‌کنند!؟

"همه مهره‌های یک امپراتوری بی‌رحم"

ترامپ در خدمت این نظام فاسد، بازار بهره‌کشی را گسترش داد و پاداش وفاداری‌اش را با ریاست جمهوری دوباره از اربابانش گرفت.

مظلومان، گنجینه شهادت حقیقت این فساد نه در بیانیه‌ها، که در فریاد فروخورده مظلومان است: کودکان بی‌خانمان در غزه، مردم گرسنه ونزوئلا، اقلیت‌های له‌شده میانمار، زندانیان تحقیرشده عربستان، قربانیان خاموش در سودان، سوریه، و در کل جهان. تاریخ گریستن خواهد آموخت از تماشای مصیبت آنان.

«به خون ستارگان قسم، یک شب این بی‌داد به پایان خواهد رسید، و آن روز، آزادی جشن خواهد گرفت.»



"ورشکستگی اخلاقی"

ترامپ آینه فساد است؛ از پول شویی و فحشا تا تحقیر قانون، از فریبکاری و پنهان کاری تا معامله با وجدان و رأی و تزه همه مهمتر او قاتل خیلی از انسانهاست...

کاخ سفید؟

نه کاخ مردم، که حجره دلالت قدرت و خون.

سران قدرت، وارثان تباهی اند؟

کاخهایی به صدای ناله آزادی خواهان پر شده، سفرههایی که از استخوان مظلومان سرشار است. نسل فردا، صدایی در تاریخ نام خائن نان قدرت را نسلها بر دیوار بی آبرویی می نگارند. جهان داغدار اعتماد خویش در خیابانهای واشنگتن، پاریس،

سانتیاگو و لندن، در شعارها و سرکوب‌ها و شبکه‌های اجتماعی خشم خود را فریاد کرد. رهبران جهان از اروپا، آسیا، آفریقا سیاست ترامپ را بی‌پروا سرزنش کردند. خروج از توافق‌نامه‌ها، افزایش رنج، و بی‌پروایی در خیانت به نور انسانیت.



"ما شاعران شب و وارثان خون و خشمیم

قدرت ما افشاست

شرافت ما رسالت ماست."

نیشتر بر بن بست خاموشان

ای رهبران تزویر،

کجا بودید وقتی جهان را به خاکستر نشانید؟

در سودان و یمن، در ایران و ونزوئلا، در فلسطین و میانمار

ملتی پس از ملتی قربانی سود و نفت و سهام شد.

راستی کدام تان اشک مادری در غزه را درک کردید

یا شرم زندانی آزاده را،

یا بغض دختری ایزدی را؟

تاریخ افشاگران

فرصت رسوایی فرا خواهد رسید

و تاریخ برای این امپراتوران ظالم

جز مرثیه و هجوم نخواهد سرود.

"در هر کودک بی‌پناه، در هر مادر داغدار، در کارگر گرسنه، یک انقلاب نهفته است

شب‌نشینان ظلم، گورکنان خویش‌اند!"



برج سایه لها، جنایت و فسادهای دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا

فصل دهم: فرمان قتل از اتاق بیضی در کاخ سفید

در شب‌های پر آشوب زمستان سال ۲۰۱۹، دونالد ترامپ با نگاهی سنگین و نگاهی عبوس، فرمان مرگ را پشت درهای بسته اتاق بیضی امضا کرد؛ فرمانی که منطقه را به دروازه‌های جنون کشاند و وجدان تاریخ را لرزاند. آنچه رسانه‌ها بعدها از زبان “منابع مطلع” نقل کردند، تنها بخشی از حقیقت بود؛ حقیقتی که در عمق تاریکی اتاق‌های جنگ پنهان مانده بود.

"نقش اسرائیل و اقلیم کردستان در شکار سلیمانی"

دستور قتل شهید قاسم سلیمانی، نه یک تصمیم تنها و ناگهانی از سوی ترامپ، که نتیجه ماه‌ها طرح‌ریزی و عملیات اطلاعاتی چندلایه بود. در قلب این عملیات، سه ضلع آشکار می‌درخشید: کاخ سفید، موساد (سازمان اطلاعات اسرائیل) و شبکه

امنیتی اقلیم کردستان عراق. اسرائیل و اقلیم کردستان، هر یک نقشی کلیدی در شکار ژنرال ایفا کردند.

"ردپای موساد و شنود تلفنی"

موساد مدت‌ها تحرک شهید سلیمانی را ردیابی می‌کرد. مهم‌ترین ابزار، شنود موبایل شخصی و ارتباطات او بود. اسرائیلی‌ها با کمک تکنولوژی‌های پیشرفته و نفوذ انسانی، موفق شدند در سفرهای سلیمانی به دمشق و بغداد، مسیرها و وسایل ارتباطی او را شناسایی و آلوده کنند. آنان سیگنال‌های موبایل‌هایی را که گاه‌به‌گاه تعویض می‌شد، رصد کردند و اطلاعات را گام‌به‌گام به سیا و پنتاگون منتقل ساختند. حتی گفته می‌شود ماموران موساد با نفوذ به شبکه فروشندگان موبایل‌های خاص، گوشی خود سلیمانی را نیز به بدافزار مجهز کرده بودند.



برج سایه ها، جنایت و فسادهای دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا

"همکاری میدانی اقلیم کردستان"

در فرودگاه بغداد، عوامل اقلیم کردستان به شکل پوششی و با هویت پلیس عراق یا خدمه فرودگاه، خود را در میان استقبال‌کنندگان جا زدند.

وظایف آن‌ها: ردیابی پرواز دمشق بغداد، تعیین دقیق موقعیت خودروهای کاروان، تخلیه بار و حتی جمع‌آوری شواهد دی‌ان‌ای پس از انفجار بود. پس از حمله، یکی از همین نیروهای لباس‌مبدل، به سرعت به خودروی منهدم‌شده نزدیک شد، عکس گرفت و بقایای انسانی را برای شناسایی جمع‌آوری کرد تا هیچ گونه تردیدی برای واشنگتن باقی نماند.

"مرکز فرماندهی حمله"

سه پهپاد از پایگاه‌های آمریکایی در قطر و عین‌الاسد هم‌زمان مأموریت یافتند. مارک اسپر (وزیر دفاع) و جینا هسپل (رئیس سیا) از دو سوی آمریکا صحنه زنده را تماشا می‌کردند؛ شلیک، انفجار و مرگی که تنها چند دقیقه طول کشید.

"ترامپ و رؤیای انتقام و قدرت"

برای ترامپ، فرمان قتل شهید قاسم سلیمانی فقط اجرای وعده "بازدارنگی بزرگ" نبود؛ ترامپ گمان می‌کرد می‌تواند به جهان نشان دهد که آمریکا همچنان با تک‌دکمه‌ای می‌تواند توازن دنیا را به هم بزند. اما پشت هر فرمان، ارتشی از بازیگران خاموش ایستاده بودند: مأموران موساد با ابزارهای دیجیتال، نیروهای اطلاعاتی اقلیم کردستان با یونیفرم‌های جعلی، و ژنرال‌های آمریکایی تشنه اثبات قدرت...

نمایش پس از قتل آغاز شد: حمله موشکی ایران، پاسخ عین‌الاسد، افتادن سایه جنگ بر منطقه و بی‌ثباتی پیایی.

هرچه ترامپ با غرور اعلام "پیروزی" کرد، سایه‌ی بی‌اعتمادی، انتقام‌جویی و وحشت بیش از پیش منطقه و ترامپ و آمریکا را فرا گرفت.

"دگرگونی توازن قوا و شلیک دیپلماسی به دست خشونت"

و تاریخ، به یاد خواهد آورد که فرمان قتل شهید قاسم سلیمانی، از اتاق بیضی در کاخ سقید نه تنها توسط ترامپ، بلکه به دست ارتشی از نیروهای پنهان و مهره‌های آشکار در بغداد و تل‌آویو و اربیل و... ثبت شد؛ همکاری بی‌سابقه‌ای برای انتقام از نابود کننده داعش در منطقه، شهید سلیمانی که ضرر هشت هزار میلیاردی به آمریکا و کشورهای پشتیبان داعش زده بود...



سازمان اطلاعات و فسادات ایالات متحده آمریکا

فصل یازدهم: سند سرخِ حقیقت

«درستایش دانایی و خون»

وقتی ترامپ با امضای سرد و لبخند پنهان، خون و مرگ را روانه شهرهای ایران و غزه کرد، هیچکس تصور نمی‌کرد اندوهی چنین سترگ بر سرزمین ایران سایه افکند. اما آن شب ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، تهران و ده‌ها شهر ایران، داغدار عزیزترین‌ها شد. فرماندهان ارشد مقاومت و مغزهای زنده فناوری و دانش را، آمریکا و رژیم کودک‌کش اسرائیل، هم‌قسم با خنجر، در خانه و ستاد، در جمع خانواده و زیر سقف بی‌دفاع آزمایشگاه، بی‌شرمانه به قتل رساندند.

در میان بیش از ۱۱۰۰ شهید و ۵۵۰۰ مجروح، نام‌هایی طلایی می‌درخشید؛ نام‌هایی که هرکدام نماد تدبیر و اقتدار و افتخار ایران اسلامی بودند.



جرح پایه لها، جنایت و فسادهای دهه های شصت و هفتاد، رئیس جمهور آمریکا

"فهرست فرماندهان شهید جمهوری اسلامی ایران"

1. سپهبد غلامعلی رشید – فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء
2. سپهبد محمد حسین باقری – رئیس ستاد کل نیروهای مسلح
3. سپهبد حسین سلامی – فرمانده کل سپاه
4. سپهبد علی شادمانی – فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء
5. سرلشکر مهدی ربانی – معاون عملیات ستاد کل
6. سرلشکر غلامرضا محرابی – معاون اطلاعات ستاد کل
7. سرلشکر امیر مظفری نیا – فرمانده مرکز تسلیحات ویژه سپند
8. سرلشکر محمد کاظمی – فرمانده اطلاعات سپاه



سریع بایه نما، حیانت و فسادهای دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا

9. سرلشکر محمدرضا نصیر باغبان – معاون اطلاعات سپاه
10. سرلشکر امیرعلی حاجی‌زاده – فرمانده نیروی هوافضای سپاه
11. سرتیپ داوود شیخیان – فرمانده پدافند هوایی نیروی هوافضا
12. سرتیپ محمدباقر طاهرپور – فرمانده یگان پهپادی
13. سرتیپ مسعود شانه‌ئی – رئیس دفتر ستاد فرمانده سابق سپاه سلامی
14. سرتیپ خسرو حسنی – معاون اطلاعات نیروی هوافضا
15. سرتیپ منصور صفرپور – فرمانده هوافضای سپاه در تهران بزرگ
16. سرتیپ امیر پورجو دکی – معاون شاخه پهپادی
17. سرتیپ مسعود طیب – از فرماندهان نیروی هوافضا

18. سرتیپ جواد جرسرا – از فرماندهان نیروی هوافضا
19. سرتیپ حسن محقق – معاون دوم اطلاعات سپاه
20. سرتیپ محمد سعید ایزدی – فرمانده لشکر فلسطینی نیروی قدس
21. سرتیپ محمدتقی یوسفوند – فرمانده حفاظت اطلاعات بسیج
22. سرتیپ مجتبی کرمی – جانشین سپاه البرز
23. سرتیپ اکبر عنایتی – معاون اجتماعی سپاه البرز
24. سرتیپ علیرضا لطفی – معاون رئیس سازمان اطلاعات فراجا
25. سرتیپ بهنام شهریار – فرمانده انتقال سلاح نیروی قدس
26. سرتیپ میثم رضوانپور – معاون اجتماعی سازمان بسیج

27. سرتیپ سیدمجتبی معین‌پور – معاون قرارگاه سپاه البرز
28. سرتیپ علی‌محمد مدداللهی – مشاور فرمانده هوافضا
29. سرتیپ عباس نوری – معاون پشتیبانی قرارگاه جنوب غرب ارتش
30. سرلشگر شهید محمود باقری – فرمانده موشکی هوافضای سپاه
31. سرتیپ دوم حسن خوانساری – معاون سپاه سیدالشهدا تهران
32. سرتیپ دوم سهیل رستمیان – قرارگاه سپاه سیدالشهدا تهران
33. سرتیپ دوم سیروس مرادی – ستاد مرکزی سپاه سیدالشهدا
34. سرتیپ دوم سعید اصلانی – ستاد مرکزی سپاه سیدالشهدا
35. سرتیپ پاسدار محمد آقا جعفری – معاون موشکی هوافضای سپاه



برج سایه شاه، جنایت و فسادشای دوغاله خواب، رئیس هیئت رانندگان

"فهرست دانشمندان و نخبگان شهید"

سحرگاه جمعه ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، ترور بی سابقه دانش و امید پروژه قتل، مغزهای ایران با یورش مستقیم اسرائیل و حمایت همه جانبه آمریکای جنایتکار ادامه یافت

1. پروفیسور سید امیرحسین فقهی – هیئت علمی شهید بهشتی
2. پروفیسور عبدالحمید مینوچهر – هیئت علمی شهید بهشتی
3. پروفیسور فریدون عباسی دوانی – هیئت علمی امام حسین(ع)
4. پروفیسور محمد مهدی تهرانچی – رئیس دانشگاه آزاد و عضو شهید بهشتی
5. پروفیسور اکبر مطلبی زاده – فیزیکدان
6. پروفیسور احمد رضا ذوالفقاری – هیئت علمی شهید بهشتی



7. پروفیسور سعید برجی - فیزیکدان
8. پروفیسور منصور عسگری - محقق فناوری‌های پیشرفته
9. پروفیسور علی بکایی کریمی - محقق علوم مهندسی
10. پروفیسور علی باکویی کتریمی - فیزیکدان
11. دکتر مجید تجن جاری - پیشگام هوش مصنوعی
12. مهندس محمدرضا ذاکریان - متخصص هوش مصنوعی
13. پروفیسور سید ایثار طباطبایی قمشه - مهندس هسته‌ای



"دانشجویان و جوانان نخبه شهید"

- سارا جودت
- مهدی اکبری نسب و همسرش
- جواد افشاری
- حمید عباسی
- حمید موسوی
- سینا سهامی
- کیوان پیری
- عزیز سیفی آوارسین



برج سایه ها، جنایت و فسادهای دواست گرامسکریس

- رسول نورمحمدزاده
- یاسمین باکویی و خانواده
- علیرضا زینلی و دو دختر خردسال
- محمدرضا ذاکریان و همسر و دخترانش
- نجمه شمس
- امیرحسین سیفی

"شهدای غیرنظامی"

- ۱۲۶ زن و ۴۱ کودک تنها در جنگ ۱۲ روزه ایران
- هزاران مجروح، صدها خانه ویران، خانواده‌هایی با زخم‌های ابدی

■ ۵ امدادگر هلال احمر و ۷ بیمارستان و ۱۱ آمبولانس هدف قرار گرفت

■ حتی مادران باردار و کودکان شیرخوار در امان نماندند

گزارشی مفصل از این جنایت‌ها به صلیب سرخ و مراجع بین‌المللی ثبت شد. در این حمله، ترامپ شیطان صفت و نتانیاهو کودک‌کش، کمر به قتل امید و پیشرفت و آینده ایران بستند. با وجود این همه قساوت، جامعه علمی و مردم ایران، ایستاده‌تر از همیشه، نام و یاد شهدا را زنده می‌دارند و تأکید می‌کنند مسیر علم، اقتدار و آزادی بر خون و آرمان مردان و زنان بزرگ این سرزمین ساخته شده... نام خون‌آلود شهدای مقاومت و دانش، در حافظه این ملت خواهد ماند اگرچه دشمنان آرزوی شکست آوردند، هر غروبِ شهادت تولدی برای بیداری بزرگ‌تر بود؛ ایران خواهد ایستاد. بازسازی خواهد کرد و از خاکستر این فاجعه، ایرانی آزاد، فناور و آبادتر خواهد زاد...



برج سایه ها، جنایت و فسادهای دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا

در این سرزمین کهن، هنوز نسیم یاد شهدا از کنار خانه‌های ویران و آزمایشگاه‌های خاموش می‌گذرد. صدای خرد شدن شیشه‌های امید، با صدای خنده‌های مستکبران هم‌آوا شده بود، اما آفتاب سرفرازی جمهوری اسلامی ایران خاموش نمی‌شود. این کتاب داستان عصری‌ست که در آن دانش، خونین‌تر از همیشه، برگ برگش را زیر سایه‌ی جنون سیاست و جهل قدرت، از دست داد.

در آن شب سهمگین، «ترامپ» و همدستان شیطان صفتش با شعله‌ی کینه، خاک ما را مورد هجوم قرار دادند. با دستور ترامپ قاتل فرماندهان بی‌بدیل، دانشمندان نامدار، کودکان و زنان بی‌سپر، در آماج نفرتی مشترک میان واشنگتن و تل‌آویو، به خون نشستند. در سایه‌ی سکوت مرگبار غرب و عرب، گلوله‌ها به جای گفت‌وگو بر سینه ایرانی‌ها نشستند و انفجارها، نشانی شد از شکستن حرمت علم و انسانیت.

برج سایه‌ها



برج سایه‌ها، جنایت و فسادهای دوزخ شرافت، رئیس جمهور آمریکا

ما اما نوای ققنوس را از میان خاکستر شنیده‌ایم:

«گر بسوزندت به نار، ای دل غمناک غم مخور

کوه صبر و کوه امید، ایستاده در کنارت است»

این کتاب سند حقیقت ماست، بی‌آنکه اغراق کنیم یا از زخم‌های خود افسانه بسازیم. روایتی است از رنج و شکوه، شهادت و ایستادگی؛ از لکه‌های خون بر لوح دانایی، از زخم‌هایی که نه اندوه، که عهد بیداری‌اند.

«برج سایه‌ها» تقدیم می‌شود به همه‌ی آنانی که به نام حقیقت و دانش، ایستادند و خاک وطن را پاس داشتند و سرافرازانه به آیندگان سپردند.

و اما، پس از هر آذرخش ویرانگر، قصه همچنان ادامه دارد. دشمنان این سرزمین، آرزو داشتند که با قتل دانشمندان و فرماندهان ما، نور امید را خاموش کنند؛ اما هر قطره‌ی خون، نهال مقاومت دیگری رویانید و هر خرابه، نوایی دوباره از زایش و آغاز آفرید. از غزه تا تهران، از مادران داغدار گرفته تا پرستاران شب‌زنده‌دار، روایت ما با خونِ حقیقت بر تارک تاریخ نوشته شد. آن‌جا که علم و مهر با هم به مسلخ رفتند، ایمان و شعور ایرانی از نو زاده شد. نمی‌بالیم بر اندوه، اما عهد کرده‌ایم بازگردیم، بسازیم و بنویسیم؛ تا فرزندان وطن، روزی این برگ‌ها را بخوانند و بدانند که سرود آزادی مردمان غیور ایرانی، هرگز زیر آوار موشک و باروت خاموش نمی‌شود...

«چندان که گل برآید از این خاک سوخته

ما را امید سبزه‌هایست، بی‌گمان»



سرک راه های دزدان و فسادهای دولتی ترامپ. رئیس جمهور آمریکا

سخن آخر

خطبه تازیانه بر تخت فساد

در آستانه طلوعی که از میان خرابه‌های شب بی‌داد سر بر می‌آورد، این کتاب نه مرثیه شکست، که طلیعه امید میدان فرداست. میدانی که در آن صدای ملت‌های خاموش، تازیانه‌ای می‌شود بر تخت سالاران زرو زور.

اکنون که آخرین صفحات به پایان می‌رسد، سکوت مبهم برج سایه‌ها همچنان باقی است؛ زخمی بر خاطره شهر و آئینه‌ای سردرگم مقابل حقیقت. شخصیت‌ها آمدند و رفتند، برخی فرو ریختند و برخی جوانه زدند؛ اما سایه‌ها، وفادارترین هم‌نشین برج ماندند. در پایان، شاید هیچ پیروزی روشنی در کار نباشد، اما شکستن حصار سکوت، و فریاد بر علیه ظلم، نخستین گام به سوی رهایی است.



برج بانه، جنایت و فسادهای دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا

خواننده، تو اکنون صاحب نوری هستی که از پس دیوارهای وهم عبور کرده؛ شاید روزی، وقتی برج سایه‌ها دیگر نامی از گذشته باشد، شهر بتواند دوباره نفسی تازه کند. امپراتوری سایه‌ها بر پایه طمع و فریب بنا شده بود. بلندترین سازه‌ها، هرچند با عظمت به نظر برسند، اگر بر پایه‌هایی سست بنا شوند، محکوم به فروافتادن هستند. برج سایه‌ها، نمادی از قدرت زودگذر و فریبنده است و در نهایت در مه فراموشی و قضاوت تاریخ گم خواهد شد. اما در نهایت، هیچ برج بلندی به ابدیت و قدرت خداوند عزوجل نمی‌رسد؛ سایه‌ها زودگذرند و قضاوت تاریخ پایدار.

سنت الهی است که برج سایه‌ها هم روزی فرو خواهد ریخت و میراثی از عبرت برجای خواهد گذاشت. این فروپاشی، نه یک پایان، بلکه آغاز درک درست واقعیت‌ها خواهد بود؛ واقعیاتی که در سایه قدرت و ثروت، برای مدتی پنهان مانده بودند.



بعض هؤلاء الذين يسمونهم "فاسدات" في الواقع هم من الذين...

یاد این امپراتور و امپراتوری اش، درسی خواهد بود برای نسل‌های آینده که بدانند، قدرت حقیقی نه در تسلط بر دیگران، بلکه در احترام به انسانیت و پابندی به اصول اخلاقی است. در پایان این سفر پر التهاب، آنچه باقی می‌ماند، سؤال‌هایی است که ذهن انسان را رها نمی‌کند؛ آیا بهای حقیقت، سقوط است یا رهایی؟ قهرمان ما در میان شکاف‌های عمیق برج سایه‌ها، نه تنها با جهان بیرون، بلکه با خود و وجدانش نیز روبرو شد. شاید نتوان فساد را از ریشه خشکاند یا سایه‌ها را برای همیشه زدود، اما امید هنوز در قلب کسانی زنده است که جرات دیدن حقیقت را دارند.

«برج سایه‌ها» یادآوری می‌کند که حتی در تاریک‌ترین لحظات، انتخاب انسان میان تسلیم و ایستادگی، به مقاومت در برابر ظلم معنای تازه‌ای به زندگی می‌بخشد؛ و شاید، تنها همین امید به الله است که روزی حتماً می‌تواند سایه‌ها را از میان بردارد.



برج بانه، جنایت و فسادهای دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا

در کوچه‌های شب‌های فراموشی،

فریاد بی‌صدای ما را

چون تازیانه بر تخت فساد خواهید شنید؛

و نام بالانشینان زرو زور،

با خون آزادی خواهان

جاودانه بر اوراق تاریخ نقش خواهد بست.

ما می‌نویسیم

نه برای ستایش رنج که برای عصیان علیه آن؛

نه برای انتقام،

یا نفرت،

بلکه تا نور حقیقت را

بر پرده‌های تاریک قدرت بتابانیم

و یادمان باشد که خط آخر،

باید با حذف نام جنایتکاران

و به نورِ عدالتِ مردم،

و به یاد خدا،

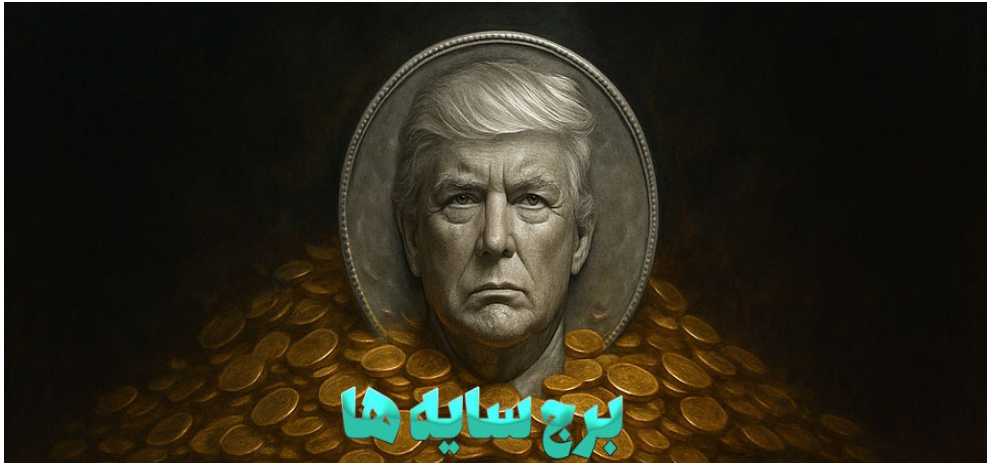
نگاشته شود.



برج سایه ها، جنایت و فسادهای دوخالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا

"طلوع عدالت بر ویرانه‌های فساد"

دونالد ترامپ، سایه‌ای از سیستمی است که قرن‌ها ریشه دوانده است در تاریخ!؟



سیستمی که ثروت، قدرت و رذالت را به هم پیوند زده و برشانه‌های ملت‌ها بار کرده است. آنچه در این صفحات کتاب خواندید، تنها گوشه‌ای از حقیقت نهان، و تلاشی برای شکستن اسطوره مصونیت و دروغ قدرت است.

شما ای تاجداران فریب،

با توهم امنیت شاید بخواهید

اما ما با بیداری و شور حقیقت،

یک قدم به طلوع نزدیک‌تریم.

شما را تاریخ رسوا می‌کند

ما را حقیقت.

آینده، وارث فریاد ماست؟

چرا که آزادگی، خاموش ناشدنی است.

میراث فساد، زخم ناگشوده است.



تبرج مایه لها، جنایت و فسادهای دوناالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا

"ریاست جمهوری ترامپ قاتل، آمریکا و جهان را به دو نیمه کرد!"

چهره فساد مالی، اخلاقی، سیاسی، عادی سازی رفتارهای زن باره و بی اخلاق، ترویج فحشا و سقوط اعتبار سیاست تا ژرف ترین لایه ها. این سال ها یاد داد که سقوط شرافت از رأس هرم قدرت، نزول وجدان جمعی و ضعف بنیان دموکراسی را هم به دنبال می آورد.

نگاه تیزبین جامعه جهانی، بر سقوط اخلاق، بر موج اعتراضات و خشم مردم و انزجار چهره های آگاه مهر تأییدی زد. حقیقتی که در نظرسنجی ها، تظاهرات، و نقدهای هوشمندان مستقل جهان بازتاب یافت.



برج های هوا، جنایت و فسادهای دوجلبره ترامپ، رئیس جمهور آمریکا

سرگذشت آمریکا؛ هشداری برای جهان
فساد ترامپ نشانه بحران ساختاری است،
یادآور اینکه انتخاب امثال او زنگ خطر
برای دموکراسی، فرهنگ و وجدان جهانی است.
سیاست‌های تخریبی، دو قطبی‌سازی،
زن‌ستیزی، و شراکت در جنایات جهانی
به فروپاشی هنجارها،
بحران هویت اجتماعی،
و بی‌ثباتی نظم بین‌المللی انجامید.

سیاست یک جانبه‌گرایی،

جدا شدن از معاهدات جهانی،

و حمایت بی‌پرده از استبداد و سرکوب در سراسر دنیا

چهره آمریکا را فروپاشید

و آینده جهان را در هاله‌ای از بی‌اعتمادی فرو برد.

رسالت بیداران

رنج مهم‌تر از روایت آن است.

اما همان روایت، سلاح افشاکنندگان است،

بر دوش مردم، روشنفکران و آگاهان،

وظیفه‌ی پاسداری از صداقت و روشن‌گری سنگینی می‌کند.

"ما شاعران شب و سرخ‌جامگانِ سوگ و سنگر

ما شرافت را تنها ثروت خود می‌دانیم."

"بنابراین"

سکوت در برابر ظلم،

گناهی نابخشودنی است؛

هر نسلی شایسته شرافت و صداقت است،

که درد را به دیده آورد و شجاعت ایستادن بر حق را از یاد نبرد.



برج سایه ها، جنایت و فسادهای دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا

“واپسین پیام”

این کتاب را به همه مظلومان دنیا تقدیم می‌کنیم؛

آن‌هایی که شهادت‌شان، فریاد ما شد

و آزادی‌شان، چراغ شب تارمان.

«ای سگان درگاه قدرت،

ای دلالان رذالت،

ای وارثان رنج ملت‌ها،

همه آنچه دارید

توهم بی‌پایان امنیت است.

اما ما با هر فریاد و هر خون

یک گام دیگر

به طلوع عدالت نزدیک تر شده ایم...

شما را تاریخ رسوا خواهد کرد

ما را حقیقت پیروز خواهد کرد.

آینده سهم ماست،

چون آزادی خاموش نمی شود،

و شما،

حتی قبری برای شرم ندارید.»



ع. مایه‌ها، جنایت و فسادهای دنیای ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا

"این پایان کتاب نیست و آغاز یک فریاد است"

آغاز مسئولیت جمعی برای آگاهی، مقاومت و ساختن جهانی انسانی. تا روزی که سطر آخر با نور حقیقت و به نام مردم نوشته شود. بخوانید، بیندیشید و دیگران را نیز فرا بخوانید، آیا تاکنون زیر پوست اخبار روز، به اعماق فسادِ قدرت و تباهی جهان مدرن اندیشیده‌اید؟ آیا تا به حال مواجهه با چهره‌های واقعی تاج‌داران زرو زور، شما را به پرسش درباره حقیقت و عدالت واداشته است؟

«**کتاب برج سایه‌ها**: روایتی از یک امپراتوری حرص و تعرض»

تلاشی شجاعانه برای برداشتن نقاب از چهره واقعی قدرت، و دعوتی برای بیداری وجدان جمعی است. این اثر نه فقط سند افشاگر یک دوره تاریخی، بلکه فریادی است علیه فراموشی، دعوتی برای حقیقت‌جویی، و کارزاری علیه قدرت بی‌مهار.

در این کتاب، با روایتی ریشه‌دار و مستند، به قلب شبکه فساد و تارهای ظلم جهانی سفر می‌کنید و از اتاق‌های تودرتوی کاخ سفید تا کوچه‌های خاموش فلسطین و زخم‌های فراموش شده جهان می‌روید.

"کتاب برج سایه‌ها"

«ترامپ فاسد» تنها قصه یک نفر یا یک کشور نیست. این کتاب، آینه‌ای است برای جهان ما، نقدی بر ساختارهای پوسیده قدرت، و صدایی برای همه بی‌صدا شدگان. خواندن این کتاب را به همه آنان که به حقیقت علاقه دارند؛ به کسانی که دغدغه انسانیت، عدالت و بیداری دارند؛ و به آنان که از تماشای نمایش تکراری فساد و ظلم خسته شده‌اند، توصیه می‌کنم.



برج سایه ها، جنایت و فسادهای دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا

کتاب جنایات و مفاسد، ترامپ را بخوانید، به دوستان و خانواده‌تان معرفی کنید، در محافل و شبکه‌های اجتماعی درباره آن صحبت کنید و سهمی داشته باشید در افشاگری و روشنگری جمعی.

هر کتابی که دست به دست می‌گردد، هر صدایی که بلند می‌شود، گامی است به سوی آینده‌ای روشن‌تر. حقیقت را بخوان، ظلم را بر ملا کن، و خود را واسطه بیداری دیگران قرار بده.

*زندگی «ترامپ فاسد» را در **کتاب برج سایه‌ها** بخوانید و دیگران را نیز به خواندنش فرا بخوانید. جهان، بیش از هر زمان دیگری، به حقیقت و آزادی نیازمند است.*

Tower of Shadows



*Nasser
Kaveh*

برج سایه ها، جنایت و فسادهای دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا